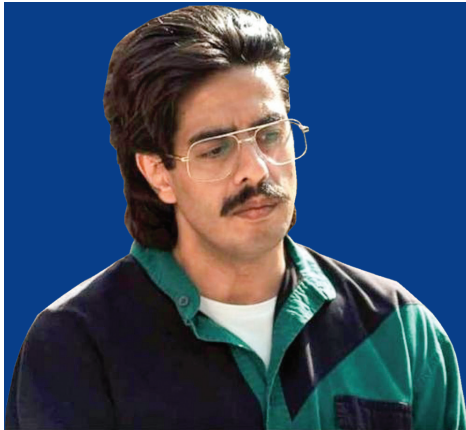


«فرهیختگان» به مناسبت سالروز انتشار منشور روحانیت بررسی می‌کند

فقه خوارجی علیه فقه امام و رهبری

همین صفحه و صفحه‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ را بخوانید



صفحه‌های ۱۲ و ۱۳

گفت و گوی «فرهیختگان» با پوریا شکیبایی، بازیگر نقش «حبیب» سریال «برف بی‌صدای بارد»

نمی‌خواهم پدرم را تقلید کنم

روزنامه‌خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران و واحدهای
دانشگاهی همه ۳۰ تومان
شهرستان‌ها ۴۰۰۰ تومان



■ شماره مسلسل ۴۲۸۰
■ چهارشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۰
■ ۲۱ رجب ۱۴۴۳
■ ۲۲ فوریه ۲۰۲۲
■ شماره ۳۵۴۲

Feb 2022 | vol.13 | No. 3542 | 16 Pages



صفحه‌های ۲ و ۸

مجلس با تصویب طرح صیانت گامی بزرگ در راستای کاهش ظرفیت اجتماعی برداشت!

درباره همه چالش‌های فرهاد مجیدی؛ مشکل از سرمربی آبی‌هاست یا بقیه؟

سه‌پنج حاشیه!

روسیه بر ادامه «سیاست جمهوری‌سازی» خود تاکید کرد

پوتین به دنبال احیای مینیا توری شوروی

۱۶ واحد دانشگاه آزاد خوزستان زیر ذره بین «فرهیختگان»

کارآفرینی به وسعت خوزستان

« یادداشت »

«فرهیختگان» به مناسبت سالروز انتشار منشور روحانیت بررسی می‌کند

فقه خوارجی علیه فقه امام و رهبری

«جمهوریت» و «حق تعیین سرنوشت» و «حقوق شهروندی» درمقابل برخی اصول دینی قرار گرفته است. در این رابطه، یکی از مواردی که دائما مستمسک سروش محلاتی قرار می‌گیرد، قاعده «لاخرج» است. او قائل است که «خدایم گوید ما در دین حرج قرار ندادیم، نگفته فقط در عبادات حرج نیست، بلکه از اول دین تا آخر دین حرج ندارد، ما قلمرو خارج از این قاعده نداریم. قرآن می‌گوید حق جهاد را به‌جا بیاورید، بعد می‌گوید در دین حرج نیست.» تالی فاسد این نگاه به قاعده لاخرج در دستگاه فقه خوارجی، تجویز عافیت‌طلبی و سلطه‌پذیری است که صراحتا خلاف دستورات دینی است. این موضع نسبت به قواعد فقهی در نزد قاطبه فقها و علمای دین، ازجمله امام(ره) مقبول نیست، چه جمع میان احکام الهی و مطالبات مردم، غیر از عرفی‌گرایی است.

همچنین دیگر خصوصیت ممتاز این دستگاه فقهی، فهم بسیط نسبت به امر سیاست و حکومت است. اینکه باوجود تجربه‌های متعدد تاریخی و آنچه در ده گذشته بر ما رفت، هنوز کسانی خیال می‌کنند با تسلیم و سازش و تبعیت از سلطه‌جویان، وضع معیشتی مردم رو به بهبودی می‌گذارد، جز سوءفهم نسبت به امر حکمرانی چه معنایی دارد؟ یا به کسی که به حکم قاعده اضطراب، تیره مجرم و نفی مجازات در جامعه را تجویز می‌کند، فهم او از اداره جامعه و سیاست و حکومت چقدر معتبر است؟ اینکه سروش محلاتی پس از حوادث ماجرای افزایش قیمت بنزین می‌گوید «وقتی فضای اعتراض و انتقاد محدود شد و فشار اقتصادی و گرسنگی هم هست و کار به استخوان رسیده است دیگر نمی‌توان در قالب محارب و باغی برخورد کرد»، نشان می‌دهد او از درک وضع تاریخی انقلاب اسلامی و عواملی همچون فشارهای خارجی، توطئه‌های دشمنان و اقتضات سیاست جدید عاجز است. این ساده‌انگاری در دستگاه فقه خوارجی غالب است، به‌طوری‌که اساسا در همه نزاع‌ها، تنها حکومت و حکمرانان مقصرند و عیب و اشکال‌ها هیچ عاملی غیر از این ندارد. این البته غیر از آنکه ساده‌انگاری است، به عرفی‌گرایی و تبعیت از اغراض سیاسی نیز مربوط می‌شود.

به هر حال، فارغ از درست یا غلط بودن مبانی علمی و روش‌شناسی این دستگاه فقهی، ادعای آنها در باب مکتب امام(ره) خلاف فکر و عمل اصحاب فقه خوارجی است. امام‌خمینی(ره) در دهه اول انقلاب که وضع اقتصاد و معیشت مردم به مراتب از امروز بدتر بود، جهاد و مبارزه را تعطیل نکردند. ایشان باوجود فشار سیاسی و رسانه‌ای لیبرال‌ها بحث ولایت مطلقه فقیه و افزایش اختیارات ولی فقیه را مطرح کردند و همچنین درمقابل باغیان و یاغیانی که امنیت کشور را دنبال می‌کردند، علی‌رغم آن وضع بغرنج، با جدیت ایستادند. بنابراین، تجویزهای سازشکارانه این جماعت در سیاست خارجی، بی‌اعتنایی به ولایت فقیه و سهل انگاشتن امنیت و تئوریزه کردن باغی‌گری در کشور با فقه امام(ره)، خط امام(ره) و گفتمان امام(ره) و انقلاب هیچ مناسبتی ندارد.

گزینش و مصادره به مطلوب جست، سروش محلاتی در جلسه اخیر درس خارج فقه خود تحت عنوان «تبیین مکتب فقهی امام‌خمینی(ره)»، با طرح این قول امام که «هر ملتی حق دارد سرنوشت خود را خودش تعیین کند» ادعای می‌کند که جریان مسلط این نظرات امام را نادیده گرفته‌اند و مبتنی بر این ادعا می‌خواهد همان ورد زبان اصلاح‌طلبان یعنی «حذف جمهوریت» را القا کند. درحالی‌که اگر انتخابات ریاست جمهوری را شاخص مهم حق تعیین سرنوشت در نظر بگیریم، میانگین مشارکت مردم در ۱۰ دوره گذشته و در ۳۰ سال اخیر، قریب به ۷۰ درصد بوده است. این البته ادعای مکرر سروش محلاتی است و کم نیستند مواردی که او با ادعای خط امام(ره)، اقوال بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی را به نفع خواسته‌های خود تحلیل و تفسیر کرده است. ازطرفی چطور می‌توان قول امام بر حق تعیین سرنوشت را دید و بر آن تاکید کرد، اما هشدار ایشان در وجوب حفظ نظام و انقلاب را نادیده گرفت و در مواضع مختلف درجهت تضعیف نظام اسلامی اقدام کرد؟ این گزینش اقوال امام(ره) را چطور می‌توان توجیه کرد؟

جای تردید نیست که نظریه ولایت فقیه، اساس تفکر امام و مهم‌ترین مولفه انقلاب اسلامی است. اینکه «برای فقیه عادل همه آن اختیارات پیامبر و ائمه علیهم‌السلام که به حکومت و سیاست برمی‌گردد، ثابت است، یا «اینکه در قانون اساسی بعضی شئون ولایت فقیه هست نه همه شئون آن، و از ولایت فقیه آن‌طور که اسلام قرار داده، هیچ کس ضرر نمی‌بیند» و اینکه مخالفت با ولی فقیه، مخالفت با خداست» را بعد است قائلان به فقه خوارجی نشینده باشند، اما مخالفت علنی و صریح با ولی فقیه و دستورات او، برجسته‌ترین خصوصیت دستگاه شبه‌علمی فقه خوارجی است. از میان مصادیق متعدد، یکی اینکه آقای سروش محلاتی که مدعی خط امام و مدافع مکتب فقهی ایشان است، در تمام سال‌هایی که آیت‌الله خامنه‌ای بر مقاومت در برابر دشمن تاکید کرده‌اند، مشغول تبلیغ علیه این گفتمان و تئوریزه کردن سلطه‌پذیری بوده و از نیش و کنایه و طعنه نسبت به ولی فقیه چیزی کم نگذاشته است. بحث از استبداد دینی، حکومت اموی و نظام فرعون‌ی دیگر تعریض‌های او نسبت به ولی فقیه است که تفصیل آن در این مجال ممکن نیست. اما می‌توان پرسید که چطور می‌شود میان ادعای اعتقاد و دلبستگی به خط امام و مکتب فقهی ایشان با تعرض به ولی فقیه و مخالفت با دستورات او جمع کرد؟

«عقل عرفی» همواره دامگه متفکران دینی خصوصاً روشنفکران و نواندیشان دینی بوده است، چنانکه در تلاش برای جمع احکام دین و اصول تجدد و عقل جدید، همواره در ورطه عرفی‌گرایی افتاده‌اند، اگرچه ظاهرا دلبستگی‌هایی به دین دارند. دستگاه فقه خوارجی نیز همچون اسلام‌گرایی سکولار و روشنفکری دینی و بعضی دیگر از شقوق تفکر دینی، از این بیماری مصون نمانده و به جهت غلبه اغراض سیاسی در این دستگاه شبه‌علمی، عقل عرفی در قالب بحث از

مستظهر به حمایت و محل رجوع بخشی از اصلاح‌طلبان است و برخی رسانه‌های این جریان چندسالی است به انتشار سخنرانی‌ها و جلسات درس او اهتمام دارند. شاید خیرسازترین اظهارنظر او «درس تعامل سازنده و مذاکره» خواندن کرپلا و عاشورا در توجیه اظهارات رئیس‌جمهور سابق بود که تا مدت‌ها نقل محافل علمی و مذهبی شد و واکنش‌ها را به‌نحو گسترده‌ای برانگیخت. اما این، تنها یکی از شذوذات متعدد سروش محلاتی است که به دلیل حساسیت افکار عمومی نسبت به قیام حضرت سیدالشهدا(ع) مورد توجه قرار گرفت، درحالی‌که اهل نظر و تحقیق می‌دانند بسیاری از اظهارات او از همین سنخ و ناشی از خصوصیات نگاه فقهی او است؛ اگر بتوان به چنین چیزی قائل شد. این خصوصیات یا به عبارت دقیق‌تر، وجهه متمیزه دستگاه شبه‌علمی فقه خوارجی دست کم پنج مورد و اجمالا به قرار زیر است.

در دستگاه فقه خوارجی، عمده غرض سیاسی است و نظرات علمی و استنباط‌های فقهی بیش از هرچیز از اغراض سیاسی فقیهه و از حب‌وبغض‌های او تبعیت می‌کنند، به‌طوری‌که فقیه فقه خوارجی، هر آن مترصد این است که خلاف سیاست‌های جمهوری اسلامی اظهارنظر کند و موضعی علیه حرکت کلی انقلاب اسلامی بگیرد. مثلا اگر کسانی از فقها رای به وجوب شرکت در انتخابات دادند، فقیه فقه خوارجی با تمسک به استثنائات و با استفاده از روش‌شناسی مخدوش خود، همه همتش را در جهت تضعیف این حکم مصروف می‌دارد و از تلاش برای مقابله با حکمی که در خدمت نظام و انقلاب اسلامی است دریغ نمی‌کند. چنانکه سروش محلاتی در آستانه برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۹۸، صراحتا و برخلاف نظر مشهور امام‌خمینی(ره) و مفاد وصیتنامه ایشان که همه علما و حتی مراجع را به ضرورت شرکت در انتخابات دعوت کرده‌اند، صرفا با هدف و غرض سیاسی تکلیف شرعی تلقی کردن شرکت در انتخابات را بلاوجه دانست و آن‌را رد کرد، درحالی‌که در منظومه فکری امام(ره)، اصل بر حفظ و تقویت نظام اسلامی است و هر آنچه در خدمت این هدف باشد، قطعا داخل در موضوع فقهی تواند بود. یا در موضعی دیگر، درحالی‌که قاطبه اهل نظر و تحقیق از حادثه کرپلا درس مبارزه و مقاومت می‌گیرند، سروش محلاتی برای آنکه با گفتمان انقلاب اسلامی و نظر ولی فقیه مخالفت کند، از کرپلا درس مذاکره می‌گیرد. اساسا عمده اظهارات سروش محلاتی، اعم از جلسات درس و غیر آن، پیشینه سیاسی به معنای جناحی کلمه دارد و این معنا در سیره او عمده است. گویی حب‌وبغض‌ها دالی است که باید برای آنها دلایل فقهی دست‌وپا کرد.

«گزینش» و «مصادره به مطلوب» در دستگاه شبه‌علمی فقه خوارجی مهم و اساسی است. اساسی از این جهت که ادعای خط امام(ره) در این جریان حول همین دو مطلب می‌گردد. پاسخ به این پرسش که دستگاه فقهی‌ای که ماهیتا مقابل فقه انقلاب است، چطور می‌تواند مدعی خط امام باشد را باید در معجزه

طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مخالفان روش‌های متعدد و متنوعی را به‌منظور تضعیف و شکست این حرکت الهی- مردمی به کار بستند. آنها در ابتدا به مناسبت وضع افزارها و اقتضات آن‌روز، مقابله سخت پیش گرفتند، اما به مرور و پس از آنکه از این نحوه مواجهه نومید شدند و نیز مناسبت صورت‌های جدید مبارزه، سناریوهای جنگی هر روز پیچیده‌تر شد. به‌نظر می‌رسد اکنون در سال‌های ابتدایی دهه پنجم انقلاب، بسیاری از راهبردها و طراحی‌های مخالفان سوخته و امکان‌های محدودی باقی مانده است.

قول به محدودیت امکان‌ها، البته به معنای هیچ انگاشتن یا دست کم گرفتن مخالفت‌ها نیست، بلکه غرض تذکر به نسبت اقدامات آنها با وضع کلی اپوزیسیون است. با این حال، این امکان‌ها برای مخالفان خارج‌نشین و دشمنان، موسع‌تر از مخالفان داخلی انقلاب اسلامی است. به‌طور مشخص، بخشی از جریان سیاسی مدعی اصلاح‌طلبی وضع خوبی از این حیث ندارد و در سال‌های اخیر با نحوی انسداد در فکر و عمل مواجه شده است. از این‌رو، راهبردها و کنش‌های آنها صورتی رادیکال یافته و مخالفت‌شان با گفتمان انقلاب اسلامی صریح‌تر شده است.

به‌نظر می‌رسد یکی از راهبردهای اخیر این جریان در مواجهه با انقلاب اسلامی، مخالفت از موضع خواخواهی دین و تمسک به «ادبیات دینی» است. شاید کسانی بگویند که نقد انقلاب اسلامی از موضع دینی، چیز تازه‌ای نیست و برخی کسان حتی پیش از پیروزی انقلاب مخالف آن و منتقد قرائت امام‌خمینی(ره) از دین و نسبت آن با حکمرانی بودند. در پاسخ می‌توان گفت آن مخالفت‌ها نسبت به حرکت امام(ره)، پیشینی و از موضع اجتهادی و اختلافات نظری بود، اما مواجهه این جریان اخیر، به‌نحو پس‌بینی و ناشی از اغراض سیاسی است. این دلواپسان دیررسیده دین و قرآن، برخلاف آن مخالفان متقدم که حکمرانی دینی را به لحاظ نظری و منطقی ممکن یا مطلوب نمی‌دانستند، در طول دهه‌های گذشته عیب و اشکال‌هایی را در عرصه اجرا و عمل دیده و دلواپس «وهن دین» شده‌اند. از این جهت، مخالفان متاخر بیش از آنکه با علم و نظر ربط و نسبت داشته باشند، درگیر اراده به قدرتند و دلبستگی‌های سیاسی و جناحی دارند. به هر حال، مجموعه این عناصر اگر چه در استعمال ادبیات دینی در مخالفت با انقلاب اسلامی اشتراکاتی دارند، اما متنوعند و ذیل یک جریان واحد صورت‌بندی نمی‌شوند. از میان اینها، یکی جریان شبه‌علمی «فقه خوارجی» است که در اینجا محل بحث است.

۹ فقه خوارجی چیست و فقیه خوارجی کدام است؟

«فقه خوارجی» درمقابل «فقه انقلاب» و فقه نظام مطرح می‌شود و غرض آن تحریف مبانی فقهی انقلاب اسلامی و امام‌خمینی(ره) است. در سال‌های اخیر اصلی‌ترین لیدر این جریان، «محمد سروش محلاتی» از مدرسان حوزه علمیه قم بوده است. او

انا لله و انا الیه راجعون

حضرت آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای

خبر درگذشت همسر مکرمه جنابعالی موجب تأثر و تألم فراوان گردید. اینجانب این مصیبت را به جنابعالی و بیت معزز تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن بانوی مومنه رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و اجر جزیل مسالت می‌نمایم. علی‌اکبر ولایتی

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN

WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان

farhikhteganonline

